



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقية الله في الارضين.

دنباله‌ی حدیث قبل از جناب ابی حمزه‌ی ثمالی از حضرت سجاد (سلام الله علیه) که فقراتی از این حدیث را در روزهای قبل خواندیم. «إن رُكِيَ خَافَ ما يَقُولون»

حالا قبل از آنی که این فقره را عرض بکنم، این تذکر را، توجه را بدهم که از مطلبی که ما دیروز در ذیل این فقره‌ی قبلی گفتیم مثل اینکه سوء برداشت شده، بعضی‌ها سوء تلقی کردند. خب حالا سوء برداشت فی نفسه چیز مشکلی نیست. لکن وقتی که این منتهی بشود به بگومگو و بخصوص در این فضای مجازی و این یک چیزی بگویند، آن یک چیزی بگویند، مایه‌ی کدورت و دل چرکینی برادران مؤمن از یکدیگر بشود آن وقت این چیز بدی است. بنده‌ی حقیر که این همه اصرار دارم بر وحدت قلوب و حرکت در مسیر واحد و اتحاد نیروهای کشور، بخصوص نیروهای مؤمن و انقلابی، خدای نکرده یک چیزی آدم بگویند که مایه‌ی اختلاف بین نیروها بشود، این را به خدا پناه می‌بریم. نباید این چیزها را مایه‌ی اختلاف قرار داد.

خب بله، یک نفری، یک آقایی آمده پیش من، من هم به ملاحظه‌ی صلاح حال خود آن شخص و صلاح حال کشور به ایشان گفتم که شما در فلان قضیه شرکت نکنید. نگفتم هم شرکت نکنید، گفتیم صلاح نمی‌دانیم ما شما شرکت کنید. این را گفتیم. خب یک چیز عادی است. انسان بایستی آن چیزی را که می‌بیند و می‌فهمد و فکر می‌کند که به نفع برادر مؤمن‌اش است باید به او بگوید دیگر. ما هم اوضاع کشور را خب، غالباً بیشتر از اغلب افراد آشنا هستیم. آدم‌ها هم، بخصوص آدم‌هایی که صدها جلسه با ما نشستند و برخاستند، بیشتر و بهتر از دیگران می‌شناسیم. با ملاحظه‌ی حال مخاطب و اوضاع کشور به یک آقایی انسان توصیه می‌کند که آقا شما اگر در این مقوله وارد شدید، این دو قطبی در کشور ایجاد می‌شود. دو قطبی در کشور مضر است به حال کشور. من صلاح نمی‌دانم شما وارد بشوید. بله، این چیز خیلی مهمی که نیست. این چیز خیلی طبیعی است، خیلی ساده است. بله، ما این توصیه را به یکی از آقایان، به یکی از برادران کردیم. خب حالا این مایه‌ی اختلاف بشود بین برادران مؤمن، یکی بگوید فلانی گفته، یکی بگوید نگفته، یکی بگوید چرا پشت بلندگو نگفته؟ خب حالا این هم پشت بلندگو. (۱)

دشمنان هم که گوش خواباندند استفاده کنند. ببینید، حواستان جمع باشد. خب به رادیوی «فردا» یا رادیوی «بی‌بی‌سی» چه ارتباطی دارد این قضیه؟ می‌پردازند، بحث می‌کنند، تحلیل می‌کنند، علت چیست، چرا گفتند، این چیست معنایش؟ این معنایش این است که دشمن می‌خواهد استفاده کند. ما چه کار باید بکنیم؟ ما باید نقطه‌ی مقابل دشمن حرکت بکنیم. یعنی مطلب خیلی عادی است، همین‌طور که بنده عرض کردم. خب شما برادر مؤمن من هستی. یک چیزی را به مصلحت شما می‌دانم، می‌گویم به شما. این اشکالی که ندارد ظاهراً. چیز خوبی است. لازم هم هست شرعاً. لازم هم هست خیرخواهی. «التَّصِيحَةُ لِلْمُؤْمِنِينَ» یا «لِلْإِخْوَةِ الْمُؤْمِنِينَ» یا «لِلْأُمَّةِ الْمُؤْمِنِينَ» در همه‌ی صور. این یک چیزی خوبی است دیگر. انسان باید نصیحت کند. نصیحت یعنی خیرخواهی. من به جناب عالی که مثلاً آقای آشیخ عبدالعالی اسمتان است من باب مثال علاقه‌مندم. می‌دانم شما اگر وارد این مقوله شدی به ضررت است. به ضرر کشور هم هست. به شما می‌گویم وارد نشو. نمی‌گویم هم وارد نشو. امر و نهی نیست. حالا بعضی گفتند آقا دستور دادند، امر کردند، نه، گفتیم صلاح نمی‌دانیم. من صلاح نمی‌دانم. این چیز خوبی است. این



اینی هم که حالا بگویند که فلانی [رهبری] تحت تأثیر زید و عمرو و بکر و ... است ؛ نه، این حرف‌ها چیست؟ بنده از زید و عمرو و بکر و اینها هم بیشتر اطلاع دارم، هم انگیزه بیشتر دارم. آنچه که واقعاً مصلحت باشد، آنچه که مصلحت بدانم بینی و بین‌الله، ما باید به خدا جواب بدهیم. یکی از دعاهایی که دائماً باید امثال بنده و شما بکنیم این است، «وَأَسْتَعْمَلُنِي لِمَا تَسَأَلُنِي عَدَا عَنهُ» فردا از ما سؤال می‌کنند. چرا فلان چیز را گفتید، چرا نگفتید. از نگفتید هم سؤال می‌کنند. فقط از گفتید نیست. چرا فلان کار را کردید، چرا نکردید. از نکردید هم سؤال می‌کنند. بنابراین نه، ما این فقره‌ای که دیروز معنا کردیم ناظر به این قضیه اصلاً نبود. داشتیم حدیث را معنا می‌کردیم مثل اینکه امروز هم حدیث را معنا می‌کنیم. آن قضیه هم همینطور است که عرض کردیم. بین برادران مؤمن اختلاف سر این چیزها هیچ مصلحت نیست. شما یک چیزی بگویید، آن یک چیزی بگوید، آن یک چیزی بگوید. یک نفر سومی هم منتظر باشد، به مجردی که شما با هم دعوا کردید، او بیاید از میانه سود خودش را ببرد؛ بردارد ببرد. اینها را باید مراقب بود. امروز کشور به اتحاد نیروها احتیاج دارد. بخصوص نیروهای مؤمن. نیروهای پای کار. سعی کنند از این چیزها اختلاف بوجود نیاورند.

(۱) خنده‌ی معظم‌له و حضار